

مسأله‌ی اختیار

رویکردی تحلیلی

رئیس - ضرورت علی - معلولی و اختیار

با توجه به آراء فلاسفه‌ی مسلمان

علیرضا رحمان

مسأله اختیار

رویکردی تحلیلی در نسبت ضرورت علی - معلولی و اختیار

با توجه به آراء فلاسفه ی مسلمان

علیرضا رحیمیان

انتشارات دلیل ما

چاپ اول: بهار ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: رتوش

چاپخانه: نگار

قیمت: ۲۰/۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۱-۹۹۰-۸

تلفن و نمابر: ۸-۰۲۷۴۴۹-۳۷۷۳۳۴۱۳ (+۹۸۲۵)

آدرس: قم، خیابان معلم، مجتمع اشراق

طبقه ششم، واحد ۱۲ و ۱۳

www.dalilema.ir (با امکان خرید اینترنتی)

Info@dalilema.ir سامانه پیام کوتاه: ۵۰۰۱۴۵

مراکز پخش:

۱) قم، خ معلم، مجتمع ناشران، طبقه ششم، واحد ۹، تلفن: ۳۷۷۳۳۴۱۳ و ۳۷۷۴۴۹۸۸

۲) قم، خ صفائیه، رویروی کوچه ۳۸، پلاک ۷، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۳۷۷۳۷۰۱۱ - ۳۷۷۳۷۰۰۱

۳) تهران، خ انقلاب، خ فخرآزادی، فروشگاه دلیل ما، پلاک ۶۱، تلفن ۶۶۴۶۴۱۴۱

۴) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی، مجتمع صادقی، کوچه شهید خوراکیان،

مجتمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۳۲۲۳۷۱۱۳-۵

۵) تبریز، خ امام، پاساژ تربیت، زیرزمین، پلاک ۱۹، تلفن ۳۵۵۳۷۵۴۱

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

رحیمیان، علیرضا، ۱۳۲۵ -

مسأله اختیار: رویکردی تحلیلی در نسبت ضرورت علی - معلولی و

اختیار با توجه به آراء فلاسفه ی مسلمان / علیرضا رحیمیان.

تهران: دلیل ما، ۱۳۹۵.

۴۲۸ ص.

978-964-397-992-8

فیپا

جبر و اختیار

۱۳۹۵ م ۵۳/ ۶/ ۱۹/ ۲۰۲۱

۲۹۷/ ۴۶۵

۴۲۱۰۵۵۰

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

موضوع

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

فهرست مطالب

بخش ۴: شماره ۱۱

بخش اول: دسازگاری ضرورت علی معلولی با اختیار

دیباجه‌ی بخش اول ۲۷

فصل اول: چیستی اختیار ۲۹

استغنائی اختیار از تعریف ۲۹

وجدانی و بدیهی بودن اختیار ۲۹

بی‌نیازی از تعریف ۳۵

مثالی از سنجیدن تعاریف، با وجدان ۳۸

استغنائی اختیار از برهان ۳۹

برخی منبّهات اختیار ۴۵

«اختیار»: مناط جواز «مدح و ذمّ» و «ثواب و عقاب» ۴۶

پشیمانی؛ نشانه‌ی آزادی ۴۹

جوهر اختیار؛ دوطرفگی ۵۱

کمال اختیار: سلطه بر انتخاب طرفین فعل و ترک ۵۱

دوطرفگی در نقطه‌ی تمامیت قدرت ۵۷

انتخاب آزادانه: رها از الزام‌آوری انگیزه‌ها و بازدارنده‌ها ۶۰

انتخاب غیراختیاری: تعبیری تناقض‌آمیز ۶۵

جمع‌بندی ۶۹

فصل دوم: ضرورت علی-معلولی از منظر فلاسفه ۷۳

دو بیان در ضرورت علی-معلولی ۷۴

ضرورت بالغیر ۷۵

ضرورت بالقیاس ۷۸

موضوعیت ضرورت سابق در بحث ۸۰

تاکنون عموم فلاسفه بر فراگیر بودن ضرورت سابق ۸۲

یک‌طرفگی؛ لازمه‌ی ضرورت سابق ۸۶

جمع‌بندی ۹۱

فصل سوم: سبب‌شناسی گاری «ضرورت علی-معلولی» با «اختیار» ۹۳

تحلیل اراده در چارچوب علیت فلفی ۹۴

تبیین نسبت فاعل و مرجع اراده ۹۷

نقش ضرورت سابق در اراده: انتخاب فاعل مختار ۹۷

اهمیت توجه دقیق به محل نزاع راجع به اراده و اختیار ۱۰۱

لزوم وجود داعی خارجی برای صدور اراده ۱۰۳

نظام قطعی عالم هستی ۱۰۶

جلوه‌های تأیید ناسازگاری در کلمات فلاسفه ۱۱۱

مجبور بودن ماسوی‌الله به دلیل تأثیرپذیری از دواعی ۱۱۱

خداوند تنها مختار حقیقی ۱۱۶

نیاز فلاسفه به سازگار نشان دادن علیت و اختیار ۱۱۸

جمع‌بندی ۱۲۱

پیوست بخش اول: اعترافات و تصریحات ۱۲۳

مرجع خارجی برای اراده کردن فاعل مختار ۱۲۴

اضطرار فاعل بالقصد ۱۳۲

بخش دوم: بررسی تلاش‌های فلاسفه در حل مسأله‌ی اختیار

دیاچه‌ی بخش دوم ۱۳۹

فصل اول: اراده؛ مناظ اختیاری بودن فعل..... ۱۴۱

۱۴۲..... مبادی فعل اختیاری

۱۴۴..... تحلیل ماهیت اراده‌ی فلسفی

۱۴۵..... اراده: شوق اکید و انفعالی نفسانی

۱۴۸..... اراده: عزم و اجماع؛ فعلی نفسانی

۱۵۶..... جبری بودن اراده در نظام فلسفی

۱۶۷..... ادعای تفاوت میان جبر علی و جبر مصطلح

۱۷۱..... تقریر اول: مسبوق بودن فعل به اراده، ملاک اختیاری بودن فعل خارجی

۱۷۶..... نقد و بررسی

۱۷۶..... نکته ۱: اول: جابه‌جایی محل نزاع

۱۷۷..... نکته ۲: از اراده‌ی جبری؛ پدیدآورنده‌ی فعل جبری

۱۷۸..... نکته ۳: سوء شبهه ذهنی؛ ناتوان از انکار واقعیت بدیهی

۱۷۹..... تقریر دوم: این شاء، فعل و این می‌شود، لم یفعل

۱۸۳..... صدق قضیه‌ی شرطیه در اختیار دادن

۱۸۷..... هماهنگی این تقریر با تقریر پیشین

۱۸۹..... نقد و بررسی

۱۸۹..... نکته ۱: یکم: باز هم جابه‌جایی محل نزاع

۱۹۰..... نکته ۲: دوم: عدم تطابق قضیه‌ی شرطیه با اختیار و جبر

۱۹۲..... نکته ۳: سوم: رهزنی لفظ «مشیت»

۱۹۶..... پافشاری بر مبنا

۱۹۷..... الف) الوجوب بالاختیار لاینافی الاختیار

۲۰۲..... نقد و بررسی

۲۰۵..... ب) نقش «ترجیح عقلانی» در اراده‌ی آزاد

۲۰۸..... نقد و بررسی

۲۱۱..... اراده‌ی فلسفی در بن‌بست

۲۱۲..... هم‌سوئی فلاسفه با اشاعره

۲۱۵..... اعتراف صدرالمতألهین به مجبور بودن انسان

۲۲۱.....	جمع‌بندی.....
۲۲۷.....	فصل دوم: فاعلیّت بالتّجلی؛ نظریه‌ی فلسفی معاصر در اراده‌ی آزاد.....
۲۲۷.....	خاستگاه نظریه.....
۲۳۲.....	نفس انسانی؛ فاعل الاهی.....
۲۳۴.....	افعال تسبیبی و مباحثی.....
۲۳۸.....	توضیح نحوه‌ی فاعلیّت نفس نسبت به اراده.....
۲۴۱.....	نفس انسانی: فاعل الاهی.....
۲۴۷.....	نقد و بررسی.....
۲۴۸.....	نکته اول: انصراف درونی، مشکل اصلی فاعلیّت بالتّجلی.....
۲۵۴.....	نکته دوم: فاعل بالتّجلی، فاعلی دائم‌الاراده.....
۲۵۹.....	نکته سوم: فاعل بالتّجلی، تعریفی مغایر با وجدان.....
۲۶۳.....	جمع‌بندی.....
۲۶۵.....	فصل سوم: «علم و حب»، ملاک فعل اختیاری.....
۲۶۶.....	تبیین نظریه‌ی «علم و حب».....
۲۶۶.....	معانی گوناگون اراده.....
۲۶۷.....	معانی گوناگون اختیار.....
۲۶۸.....	«علم و حب»، ملاک فعل اختیاری.....
۲۷۲.....	فاعلیّت بالتّجلی نفس، نسبت به اراده.....
۲۷۳.....	جمع‌بندی مراتب اختیار.....
۲۷۳.....	نقد و بررسی.....
۲۷۴.....	نکته‌ی اول: تردید میان فاعلیّت بالتّجلی و فاعلیّت بالقصد.....
۲۷۶.....	نکته‌ی دوم: علم و حب ضروری، مانعی بر سر راه مختار بودن فاعل.....
۲۷۷.....	نکته‌ی سوم: «علم و حب فاعل»؛ ملاکی مغایر با وجدان.....
۲۷۹.....	نکته‌ی چهارم: معانی مختلف اراده و اختیار، واژه‌شناسی صرف.....
۲۸۲.....	نکته‌ی پنجم: جمع‌بندی مراتب اختیار.....
۲۸۵.....	جمع‌بندی.....

فصل چهارم: امکان بالقیاس ۲۸۷

تبیین نظریه‌ی امکان بالقیاس ۲۸۹

نقد و بررسی ۲۹۶

نکته‌ی اول: تعریف اختیار به امکان بالقیاس، تعریفی غیرمانع ۲۹۶

نکته‌ی دوم: جابه‌جایی محل نزاع ۲۹۹

نکته‌ی سوم: رهنوی لفظ امکان، تعریفی مخالف با وجدان ۳۰۱

جمع بندی ۳۰۷

فصل پنجم: ریشه‌یابی و نتیجه‌گیری ۳۰۹

ریشه‌یابی امکان بالقیاس در فلسفه در مسأله‌ی اختیار ۳۰۹

در امکان، نخستین ناپذیری قاعده‌ی عقلی علیت ۳۱۰

دلیل دوم: متناسب ترجیح و ترجیح بلامرجح (احتراز از صُدفه) ۳۱۲

دلیل سوم: تسع تسلسل ارادات ۳۱۸

نتیجه‌گیری ۳۱۹

جمع‌بندی ۳۲۵

پیوست بخش دوم: فاعلیت بالتجلی ۳۲۵

تعریف فاعل بالتجلی ۳۲۵

قاعده‌ی «بسیط‌الحقیقه» پیش‌فرض فاعلیت بالتجلی و اصل ترجیح ۳۲۹

بخش سوم: حل مسأله‌ی اختیار در پرتو مبنای عقلی ۳۳۵

دیباجه‌ی بخش سوم ۳۳۵

فصل اول: نحوه‌ی خروج نقطه‌ی اختیار از قاعده‌ی ضرورت علی معلولی ۳۳۷

عالم نفس؛ تنها موطن شهود اصل عام علیت ۳۴۱

شهود ضرورت و اختیار از منظری واحد ۳۴۵

تفکیک قانون ضرورت از اصل عام علیت ۳۵۴

عدم تلازم نفی ضرورت سابق با صُدفه، در نقطه‌ی اختیار ۳۵۷

توالی فاسده‌ی خلط دو حوزه‌ی ضرورت و اختیار ۳۶۴

نتیجه.....	۳۶۸
جمع‌بندی.....	۳۶۹
فصل دوم: اختیار وجدانی؛ فراتر از جبر و تفویض و صدقه.....	۳۷۱
پاسخ اشکال اول: عدم تخصیص خوردن قاعده‌ی عقلی.....	۳۷۱
عدم تخصیص خوردن قاعده‌ی عقلی.....	۳۷۲
پاسخ اشکال دوم: نفی صدقه در عین نفی ضرورت.....	۳۷۵
نفی ضرورت و نینجامیدن آن به نفی قانون عام علیت.....	۳۷۵
عانت انتخاب: خود فاعل مختار.....	۳۷۶
رابطه وجودی قادر حر با انتخاب آزادانه‌اش.....	۳۸۰
پاسخ اشکال سوم: اختیاری دانستن اراده و نینجامیدن آن به «تسلسل ارادات».....	۳۸۳
اصلاح نمرب فعل اختیاری.....	۳۸۴
بیان فنی و اصطلاحی.....	۳۸۶
بررسی «خلط حیثیت» و حیثیت تعلل در اراده‌ی فاعل مختار.....	۳۸۹
باقی ماندن اشکال در نظریه‌ی علیت بالتجلی.....	۳۹۲
عدم خلط در رویکرد عقلی وجدانی به اختیار.....	۳۹۳
پاسخ به یک پرسش مهم.....	۳۹۹
تأملی در حقیقت فعل اختیاری.....	۴۰۳
توجه و انتخاب آزادانه: تنها نقطه‌ی بروز حریت.....	۴۰۳
جمع‌بندی.....	۴۱۹
کتاب‌نامه.....	۴۲۱

پیش‌گفتار

«...وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا»^۱
 «...و اگر آن‌ها بر این راه پایداری کنند، بی‌تردید آبی فراوان به ایشان می‌نوشانیم.»

خوشه‌چینی از خرمن دانش و سرنوشت عالم فرزانه و فقیه اهل بیت علیهم‌السلام، «حضرت آیت‌الله میرزامهدی غروی اصفهانی رحمته‌الله‌علیه»، آن‌هم به دلالت و دست‌گیری و مساعدت استادی مسلم و سالکی وارسته و مرحوم مبرور «آیت‌الله حاج شیخ محمود تولایی رحمته‌الله‌علیه»، توفیقی بود که رفیق‌چندی از شاگردان آن بزرگواران شد. مهم‌ترین و محوری‌ترین ویژگی این دو عزیز را باید در توسل جدی آنان به عنایات حضرت ولی‌عصر علیه‌السلام دانست که همه‌ی هم و غمشان، تاخیل رضایت آن حضرت علیه‌السلام و نیز بهره‌گیری و «طلب معارف» از آن ساحت قدس بود و به سمت و سوی دیگری نظر نمی‌نموده‌اند:

حاجت مطرب و می‌نیست؛ تو برقع بگشای!

و در این خاکساری به درگاه اهل بیت علیهم‌السلام، همواره ثابت‌قدم ماندند، که:

عهد ما با لب شیرین‌دهنان بست خدا

ما همه بنده و این قوم، خداوندان‌اند

یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام در توضیح آیه‌ای که در صدر این مقدمه آمده، از حضرت سؤال کرده و چنین پاسخ شنیده است:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «...وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الصِّرَاطِ» قَالَ: يَعْنِي عَلَى الْوَلَايَةِ. «لَأَسْقِيَنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا» قَالَ: لَأَذُقْنَاهُمْ عَامًا خَيْرَ أَيْ تَعْلَمُونَهُ مِنَ الْأَئِمَّةِ عليهم‌السلام»^۱

از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم که خداوند عزوجل پرسیدم که می‌فرماید: «...و اگر آن‌ها بر این راه پایداری کنند» فرمود: منظور پایداری بر ولایت ائمه علیهم‌السلام است. [در ادامه] «بی‌تردید آبی فراوان به ایشان می‌نوشانیم» فرمود: یعنی علم فراوانی که از ائمه علیهم‌السلام می‌آموزند به ایشان می‌جشنانم.

و در جای دیگر از آن حضرت علیه‌السلام نقل شده است که فرمودند:

«مَعْنَاهُ لَأَذُقْنَاهُمْ عِلْمًا كَثِيرًا يَتَعْلَمُونَهُ مِنَ الْأَئِمَّةِ عليهم‌السلام»

معنای آن [آیه]، این است که از علم فراوانی که از ائمه علیهم‌السلام می‌آموزند، بهره‌مندشان می‌کنیم.

۱. استرآبادی، تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة عليهم‌السلام، ص ۷۰۴.

۲. طبرسی، مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۵۶۰.

این دو استاد عزیز نیز از همین ره‌گذر، عنایت‌ها دیده‌اند و جام‌ها نوشیده‌اند^۱ و البته شرح این ضیافت الاهی را باید به اهلش سپرد و از کسانی پی گرفت که از آشنایان این وادی و از روندگان این ره‌اند؛ اما:

از ایشان نیستی، می‌گو از ایشان

پرواضح است که این اشارت‌ها هرگز به معنای طفره رفتن از مباحث متقن علمی و یا بررسی دقیق مطالب نیست؛ بلکه «ادای حق» و «شکر نعمت» است که البته می‌تواند یک «نشان راه» نیز باشد.

در هر صورت، همان‌گونه که در پیش‌گفتار کتاب «مسأله‌ی قیاس» اشاره شده است، جمعی از دوستان، افاضه، طبع، فلسفاتی نسبتاً طولانی به بحث و نقد و بررسی پاره‌ای از «مسائل» مورد علاقه خود، شغول بوده‌اند که در این مسیر، همواره بهره‌گیری از افادات علمی آن دو استاد بزرگوار را چراغ راه و روشنی‌بخش محفل علمی خود قرار داده‌اند و می‌دهند.

«مسأله‌ی اختیار» از مهم‌ترین این گونه مسائل است که هرچه در حل و پاسخ‌گویی به آن، تلاش عالمانه و دقیق صورت پذیرد، می‌تواند مفید فایده باشد و سعی این جمع نیز تلاشی از همین دست بوده است؛ امید آن است که توفیقی رفیق شده باشد و مرضی حق متعال قرار گیرد؛ *إن شاء الله*.

جهت آشنایی بیشتر با مکتوبی که پیش‌روست، مناسب است در پیش‌گفتار به نکته‌هایی چند اشاره شود:

(۱) در «مسأله‌ی اختیار» پرسش اصلی این است:

۱. «...وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» (سوره‌ی انسان، آیه‌ی ۲۱).

❖ آیا انسان در کنه فاعلیتِ خود، مقهور دواعی بیرونی و پیشینی است یا در موضع فاعلیتِ خود، می‌تواند آزادانه انتخاب کند؟ به عبارت دیگر: آیا حقیقتاً هنگام انجام فعل، در همان شرایط و بدون دخالت هیچ عاملی خارج از وجود فاعل، می‌توانسته ترک را نیز برگزیند؟ آیا کسانی نظیر حکما - که فی‌الجمله مدعی مختار بودن انسان‌ها در برخی از افعال هستند - توانسته‌اند نظریه‌ای را در مقام تبیین این مدعا فراهم آورند که جوهر آزادی و حریت انسان را نیز صیانت کرده باشد یا عمارت اختیار را از معنای اصلی و بنیادین خود تهی ساخته‌اند؟

شیوه‌ی پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند مقدمه‌ی پرداختن به پرسش‌های مرتبط و مهم دیگری باشد تا منتهی بحث را بگسترانند. توجه به این نکته ضروری است که ادبیات دینی ما به صورت جدی متأثر از این نگرش می‌باشد که انسان، حقیقتاً مختار است. نیز مسئول اخلاقی اعمال خود است.

(۲) هم‌چنین موضوع «اختیار در فاعلیت» نفوذ عمیق و گسترده‌ی آن در سایر حوزه‌های جهان‌شناختی و انسان‌شناختی و مبدأ و معادشناختی دارد؛ برای نمونه می‌توان برخی پرسش‌های فرعی در این زمینه را چنین برشمرد:

❖ اگر ضرورت سابق در افعال انسان برقرار باشد، آیا وعد و وعید الهی توجیهی دارد؟ ثواب و عقاب برای عملی که به ضرورت سابق انجام می‌شود، چگونه توضیحی دارد؟

❖ آیا ارسال رُسل و انزال کتب با حاکمیت ضرورت در عالم و از جمله افعال انسان، سازگار است؟

❖ در چنین نظامی مقوله‌ی دعا در دین به چه معناست؟ آیا در ورای دعا کردن، امید حقیقی به اجابت نیز هست؟ اگر همه‌چیز از قبل مشخص و ثابت است، دعا کردن، تقاضا برای چه تغییری است و اگر دعا نکنیم چه می‌شود؟

❖ آیا به مقتضای ضرورت علی‌معلولی، سعادت و شقاوت انسان‌ها و عاقبت کار آن‌ها به صورت تغییرناپذیری از پیش متعین و تخلّف‌ناپذیر است یا مستیماً امکان تغییر در سرنوشت نهایی وجود دارد؟ آیا سرنوشت هر انسانی از پیش متعین است یا خیر؟ و اگر متعین نیست، آزادی انسان چه نقشی را بر او خواهد داشت؟

❖ اگر جایی خواست انسان با نواست خداوند در تعارض باشد، کدام محقق می‌شود؟ این امر در نقطه‌ی آزاد را اختیار چگونه است؟

❖ آیا هدایت و ضلالت، نوعی تصنع در عالم است یا حقیقتاً تغییرِ راه برای انسان‌ها ممکن است؟ آیا توبه، تغییری واقعی را آزادانه در انسان‌هاست یا مرحله‌ای از پیش‌تعیین‌شده در زندگی آن‌ها؟

❖ آیا شرور موجود در این عالم، به خداوند منسوب است؟ آیا مسئولیت شرور صادرشده از انسان، حقیقتاً با خود اوست؟ آیا امکان عدم صدور

شروع از خدا و انسان و هر فاعل مختار دیگر وجود دارد؟ آیا نسبت شروع به خدا و انسان یکسان است یا متفاوت؟

❖ ... و آیا ...؟

پاسخ‌هایی که به این پرسش‌ها داده شده و مستقیماً از نتایج «مسأله‌ی اختیار» متأثر است، این شاء الله در آینده و طی «مسأله‌ی دیگری نقد و بررسی خواهد شد.

۳) امروز اکثر محققان تمایل دارند که به صورت تطبیقی و میان دو سنت اسلامی و غربی درباره‌ی این موضوع مطالعه کنند. هرچند این رویکرد، شایسته و ضروری است و این شکل از مطالعات، یکی از نیازهای جامعه‌ی فرهنگی-علمی ماست، اما باید توجه داشت که در مقام بحث تطبیقی، خصوصاً در مباحث تناسوت و داوری و انتخاب نظر، ابتدا باید تکلیف خودمان در سنت اسلام، روشن و شفاف شده باشد و نظر حکمای مسلمان را به عنوان نماینده‌ی سنت اسلامی اثبات کرده باشیم؛ لذا نقد و بررسی آرای حکما از این منظر نیز ضرورت دارد تا روشن شود که آیا ایشان در حل مشکلات و مسائل این نقطه‌ی بحرانی اندیشه‌ی بشری، توفیقی داشته‌اند؟ به نظر می‌رسد که فلاسفه موفق نشده‌اند تا از این گذرگاه لغزنده به سلامت عبور کنند و در نتیجه برای صیانت از برخی اصول عام خود، اختیار را دچار دگردیسی مفهومی

کرده و آن را از جوهری اصلی خود تهی ساخته‌اند. روشن است که در صورت صحت این مدعا بحث‌های تطبیقی دچار مشکلاتی جدی می‌شود و سویی‌ی اسلامی آن با ابهاماتی روبرو می‌گردد که در مقام تطبیق نمی‌تواند جایگاه خود را در مقابل نظریات متنوع غربی حفظ کند. به هر حال این نوشته تلاشی است برای رفع ابهام از تحقیقات فلسفه و حکمای اسلامی در حل مسأله‌ی اختیار و در صدد است تا نشان دهد که روش حکمای مسلمان در این زمینه، نماینده‌ای مناسب و موفق برای اندیشه‌ی دین و اسلامی در باب اختیار نیست.

(۴) نوشته‌ی پیش‌رو سه بخش تنظیم شده است:

❖ در «بخش اول» هر یک از مؤلفه‌های «ضرورت علی-معلولی» و «اختیار»، تبیین و با تأکید بر درایت وجدانی و بدیهی از اختیار، نشان داده شده که جوهر اختیار، «یار» است از «دوطرفگی» و توانمندی بر هر یک از دو طرف فعل و ترک در آستانه‌ی انجام فعل و این حقیقت، با ضرورت علی-معلولی که به‌دست‌داده‌ی یک‌طرفگی و لزوم تنها یکی از طرفین فعل یا ترک است، ناسازگاری ذاتی دارد و همین ناسازگاری ذاتی، سرآغاز پیدایش «مسأله‌ی اختیار» است. جالب این که در لابه‌لای کلمات و نوشته‌های حکما به بیان‌های مختلف به این ناسازگاری اشارت رفته و حتی با پافشاری بر ضرورت سابق، به نفی اختیار در انسان نیز تصریح شده است.